



ما تصویرگر هستیم

گزارش انجمن تصویرگران کتاب کودک از نمایشگاه کتاب کودک بولونیا ۲۰۰۸

هدا حدادی

خبر ناگهانی وجود غرفه‌ای مختص به انجمن تصویرگران، در نمایشگاه بولونیا ۲۰۰۸ که در اواخر اسفند ماه ۸۶، به دفتر انجمن داده شد، در روزهای پایانی سال، شور و شوق تازه‌ای میان اعضای هیات مدیره ایجاد کرد. حضور انجمن در چنین نمایشگاهی، فرصتی بود تا انجمن معرفی تازه‌تر، عملی‌تر و وسیع‌تری از فعالیت‌های اعضای خود در فضایی که کاملاً مرتبط با حرفه تصویرگری است، ارائه دهد.

برای برپایی غرفه به بهترین شکل ممکن، علی بوذری، با توجه به ارتباطات گسترده و حضور چندین‌باره در بولونیا و آشنایی با زبان انگلیسی، به عنوان نماینده انجمن در این نمایشگاه معرفی شد.

البته هر ساله تعداد زیادی از تصویرگران ایرانی در این رخداد فرهنگی به صورت آزاد یا با استفاده از کمک‌های دولتی شرکت می‌کنند که امسال نیز حدود بیست تصویرگر از ایران در نمایشگاه حضور داشتند و با توجه به این که برخی از این دوستان از اعضای انجمن هستند، انتظار می‌رفت که آقای بوذری دست تنها نباشند و تصویرگران دیگر نیز برای برپایی و اداره غرفه به وی کمک کنند که چنین هم شد.

مهم‌ترین محصول انجمن، یعنی کتاب سال تصویرگران، بروشور دوزبانه معرفی انجمن و فعالیت‌های آن، کارت پستال‌هایی از آثار اعضا با امضا و نشانی الکترونیکی هر شخص در پشت کارت و تعدادی از کاتالوگ‌های دوسالانه‌های پیش، از چیزهایی بودند که باید در غرفه عرضه می‌شدند.

برای حضور در این برنامه خاص، کارت ویزیت انجمن تصویرگران، کارت دعوت از ناشران حاضر در نمایشگاه برای حضور در غرفه ایران، چند پوستر تبلیغاتی و دو سردر چهارمتری شامل عنوان و آرم انجمن، نام جمهوری اسلامی ایران و شعار (ما تصویرگر هستیم) طراحی و آماده سازی شد.

کتاب ماه کودک و نوجوان
مرداد و شهریور ۸۷

همچنین به منظور معرفی ایران، چند کتاب نفیس شامل دیوان شعر و عکس از آثار باستانی کشورمان، توسط مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی به ما امانت داده شد تا در غرفه مورد استفاده علاقه‌مندان به تاریخ و فرهنگ ایران قرار بگیرد. علاوه بر این‌ها، بار عزیز، شکستی و گران‌قدری نیز داشتیم و آن سفره هفت سین بود که آن را برای تبلیغ مراسم ایرانی و تزئین غرفه تدارک دیدیم.

محل استقرار ما در کمپینگ هتل بولونیا بود، فضایی زیبا و ساکت، سبز و باز که بی‌درنگ بار دود و دم تهران و شلوغی و استرس‌های پایان سال را از دوشمان برمی‌داشت. دو روز مانده به شروع نمایشگاه ما در محل نمایشگاه، حاضر بودیم. گروه بزرگی از طراحان و سازندگان دکور، کارگران و ماموران هماهنگ کننده در آنجا حضور داشتند و مشغول آماده سازی غرفه‌ها بودند. از همه طرف صدای دریل و اره می‌آمد و بوی تراشه‌های چوب همه جا پیچیده بود.

از ایران سه غرفه در نمایشگاه حضور داشتند: غرفه نشر شباویز، غرفه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و غرفه انجمن تصویرگران.

ما به سرعت غرفه را پیدا کردیم، غرفه ای دونه‌ش، شانزده متری و در موقعیتی بسیار عالی. وسایل داخل غرفه هم شامل دومیز و پنج صندلی و چندین شلف بودند. ما دو شلف را نگه داشتیم و باقی را برداشتیم تا دیوارکافی برای نصب آثار اعضا داشته باشیم. از کارت‌ها و آثاری که برده بودیم، به صورت نوارهای نامنظم، برای تزئین دیوارها استفاده کردیم. به پیشنهاد دوستان تصویرگری که به کمک‌مان آمده بودند، نام هر تصویرگر را در فاصله‌ای از اثرش، با دستخط‌های مختلف نوشتیم و به صورت پراکنده روی دیوارها نقش کردیم. بعضی از دوستان از طراحی‌های سریع و تزئینی نیز برای زیبا کردن دیوارها استفاده کردند که باعث شد غرفه انجمن، رنگ و بویی هنری، خودمانی و در عین حال متفاوت پیدا کند.

سپس برای پیدا کردن کف پوشی متفاوت که بتواند غرفه ما را از بقیه جدا کند و رنگ و رویی به آن بدهد، روانه کارگاه‌های موجود در نمایشگاه شدیم و بالاخره توانستیم یک رول موکت نارنجی رنگ بسیار زیبا بیابیم و با چند برش، به عنوان کف پوش غرفه استفاده کنیم. نسب سردر و آماده سازی انبار غرفه، از دیگر کارهایی بود که دوستان تصویرگر، با حوصله و دلسوزی به انجام آن پرداختند.

متأسفانه چند عدد از ظروف شیشه‌ای دست‌ساز در چمدان شکسته بودند و ما مجبور شدیم برای تهیه ظروف هفت‌سین، به فروشگاه‌ها برویم. سبزه‌مان در هوای مناسب بولونیا، حساسی رشد کرده و جان گرفته بود. برای سفره از پارچه مخمل مشکی با تزیینات خرم‌مهره آبی برای بقیه سین‌ها از ظروف شیشه‌ای نارنجی، شمع، آیینه و قران کوچک و مقداری نقل استفاده کردیم.

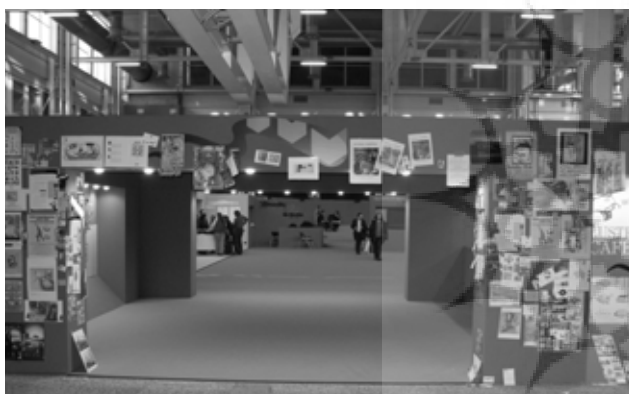
روز قبل از شروع نمایشگاه، لازم بود به دیدن رییس نمایشگاه، خانم کینی و هم‌چنین خانم مرضیا سان پائولی که هماهنگی غرفه را انجام داده بودند، برویم. به این منظور با هدایایی که تهیه کرده بودیم، به دیدن وی رفتیم و صحبت‌هایی درباره امکان حضور گسترده‌تر و پررنگ‌تر ایران در نمایشگاه‌های اصلی و جنبی بولونیا کردیم که مهم‌ترین نتیجه این صحبت‌ها امکان حضور ایران به عنوان مهمان ویژه بولونیا، در سال‌های دوهزار و پانزده یا شانزده میلادی خواهد بود.

مهمان ویژه این نمایشگاه، علاوه بر در اختیار داشتن فضای عالی نمایشگاهی - سالن اصلی و ساعات کنفرانس‌های متعدد- امکان معرفی شدن به صورت رسمی و گسترده را به ناشران سراسر دنیا دارد و از حمایت‌های خوبی از سوی برگزارکنندگان نمایشگاه برخوردار خواهد بود.

نیازی به گفتن ندارد که تصویرگری ایران در کشور ایتالیا، کاملاً شناخته شده است و بسیاری از کسانی که به دیدن



بوذری، شفیعی و زاهدی
در حال آماده‌سازی غرفه انجمن



غرفه آرژانتین



غرفه می‌آمدند، این امر را بازگو می‌کردند و تصویرگران ایرانی را دارای دیدگاه مستقل و حرفه‌ای می‌دانستند. اما مهمان ویژه امسال، کشور آرژانتین بود. نمایشگاه غرفه آرژانتین، «وقتی گاوها پرواز می‌کنند»، نام داشت و تصویر گاو پرده، کار تصویرگر معروف آرژانتینی و نامزد جایزه آندرسن امسال «ایزول» بود. غرفه آرژانتین در مقابل ورودی اصلی نمایشگاه قرار داشت. یک روز از نمایشگاه گذشته بود که در و دیوار غرفه آرژانتین و ورودی کافه تصویرگران از برکه‌های تبلیغاتی تصویرگران و ناشران پر شد.

از دیگر صحبت‌های انجام گرفته با مسئولان نمایشگاه، امکان برگزاری نمایشگاه مستقل از آثار ایرانی در سطح شهر بولونیا و همزمان با نمایشگاه بولونیاست که این اتفاق نیز امسال به شکل بسیار عالی در مورد کشور پرتغال اتفاق افتاد و تصویرگران پرتغالی، در گالری موزه «موراندی» در میدان اصلی شهر، آثار خود را به شکل تازه‌ای به نمایش عموم گذاشتند که با استقبال خیلی خوبی نیز مواجه شد.

در هردو این رخدادها، سفارت کشورهای مورد نظر، حامیان اصلی برگزاری بودند و کلیه مخارج مربوط به اجرا، حمل و نقل آثار و قاب‌ها و پذیرایی از مهمانان را به عهده داشتند. حضور سفیر آرژانتین در مراسم افتتاح سالن مهمان ویژه و کاردار فرهنگی سفارت پرتغال در نمایشگاه موزه موراندی، نشان از اهمیت برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی داشت.

خانم کینی در گفت‌وگو با ما، همکاری همه نهادها و ارگان‌های مربوط به حوزه فرهنگ در ایران را عامل مهمی دانست تا پیشنهادات ما شکل واقعی به خود بگیرد و اضافه کرد که در این زمینه، از هیچ کمکی دریغ نخواهد کرد. از همان روز اول نمایشگاه، حضور پررنگ بازدیدکنندگان به تعداد فراوان و در دسته‌های مختلف مشهود بود. گروه زیادی از بازدیدکنندگان، ناشران و تصویرگران بودند. کتابداران، دانشجویان هنر، دست اندرکاران صنعت نشر و محققان نیز دسته دیگری از بازدیدکنندگان بودند. دسته سوم نیز علاقه‌مندان و خانواده‌هایی بودند که برای آشنایی با کتاب کودک، به نمایشگاه آمده بودند.

حضور کودکان هم در نمایشگاه ممنوع بود! واقعا نمی‌دانم چرا؟ شاید می‌خواستند بگویند که مخاطبان اصلی نمایشگاه اهل فن هستند؛ کسانی که به نوعی درگیر تولید محصولاتی هستند که مرتبط با کودک و کتاب کودک است.

سالن‌های ۲۹ و ۳۰ سالن‌های ناشران و شرکت‌کنندگان فرهنگی‌تر، متمرکز بر ادبیات با تصویرسازی‌های هنری و عمده شرکت‌کنندگان سالن‌های دیگر ناشرانی با گرایش علمی، آموزشی و سرگرمی بودند.

هر سه غرفه ایران در سالن‌های ۲۹ و ۳۰ بودند و این نشان می‌دهد که کتاب‌های علمی آموزشی و سرگرمی، در ایران هنوز حرفی برای گفتن ندارند و نمونه‌های خارجی چنان زیبا، جذاب و کارآمدند که تولیدات ما به سختی می‌توانند رقابتی با بازار پیشرفته این دسته از کتاب‌ها داشته باشند. نیازی به توضیح نیست که موفقیت ناشران خارجی در این شاخه، بی شک مرهون هوشمندی در به کارگیری چاپ و تکنیک‌های آن است.

**تصویرگری ایران
در کشور ایتالیا،
کاملاً شناخته شده
است و بسیاری
از کسانی که
به دیدن
غرفه می‌آمدند،
این امر را بازگو
می‌کردند و
تصویرگران
ایرانی را
دارای دیدگاه
مستقل و
حرفه‌ای
می‌دانستند.**

نمایشگاه پرتغال





خوشبختانه، محصولات انجمن با استقبال چشمگیر مواجه شد. افراد زیادی مایل به خریداری کتاب سال بودند و تصویرگران کشورهای دیگر نیز سوال می‌کردند که آیا می‌توانند در این کتاب اثری چاپ کنند یا نه که البته جواب منفی بود؛ چون کتاب سال مختص تصویرگران ایرانی است.

کارت پستال‌ها با فروش خوب و استقبال عالی مواجه شد. علت اصلی جذابیت کارت پستال‌ها وجود نام، امضا و آدرس الکترونیکی هر تصویرگر در پشت کارت‌ها بود که کارت‌ها را شناسنامه‌دار و معتبر می‌کرد.

در روز دوم نمایشگاه، ما با مسئولان غرفه‌های انجمن‌های تصویرگران روسیه، پرغال، ایتالیا و اسپانیا ملاقات کردیم.

در کافه تصویرگران جلسه سخنرانی داوران نمایشگاه بولونیا برگزار شد و با توجه به این که امسال در داوری، از ایران فقط آثار دو تصویرگر برای نمایشگاه انتخاب شده بود، برای همه ما جالب بود که بدانیم دیدگاه داوری در این‌باره چیست.

دو تصویرگر شرکت کننده در نمایشگاه امسال، نرگس

محمدی و سیروس آقاخانی بودند که هر دو در نمایشگاه حضور داشتند و لوح تقدیر خود را طی مراسمی دریافت کردند.

در روز سوم، مهمانی کوچکی در غرفه برپا بود و ما از مهمانان مان با شیرینی ایرانی و آبمیوه پذیرایی کردیم. در آن روز افرادی چون باربارا براتوا (رییس نمایشگاه براتیسلاوا)، دوشان رول (رییس سنی نمایشگاه براتیسلاوا)، اورسلا هولپ (نماینده فرهنگی نمایشگاه فرانکفورت)، آناستازیا آرکیووا (رییس انجمن تصویرگران روسیه)، لیندا ولفسگرویر (مدیر نمایشگاه سارمده) و بسیاری از تصویرگران و ناشران دیگر، از غرفه انجمن بازدید کردند.

اتفاق دیگری که در این روز افتاد، اعلام نتایج برندگان امسال، جایزه هانس کریستین آندرسن بود. در این رخداد که مراسم آن در غرفه IBBY برگزار شد، خانم قایینی به عنوان رییس هیأت داوران حضور داشت و از ایشان در غرفه

انجمن نیز قدردانی شد. حضور یک ایرانی به عنوان رییس هیأت داوران جایزه هانس کریستین آندرسن، مایه مباهات همه ما بود.

طی روزهای نمایشگاه تصویرگرانی بودند که با نمونه کارهای شان، به غرفه انجمن سر می‌زدند و دوست داشتند که با ناشران ایرانی کار کنند. ما ضمن این که اعلام می‌کردیم ناشر نیستیم، اطلاعات کافی درباره ناشران ایرانی در اختیار آنان قرار می‌دادیم و به سوالات ایشان درباره کپی رایت در ایران، نحوه پرداخت دستمزدها، ناشران معتبر و چگونگی ارتباط با آن‌ها پاسخ می‌گفتم.

توضیح درباره فرهنگ ایرانی، سال نو و فلسفه وجود هفت سین به کسانی که در این زمینه می‌پرسیدند و گپ و گفت‌وگو با کسانی که ایران را تا حدی می‌شناختند و حالا آمده بودند تا تصویرگری ایران را ببینند، از دیگر مشغولیات روزهای نمایشگاه بود.

برگزاری «اکس چنج‌ها»، از دیگر پیشنهادهای بود که به تکرار، به انجمن تصویرگران ایران داده می‌شد. این نوع نمایشگاه، نمایشگاهی است که به صورت دو جانبه برگزار



نمایشگاه پرغال

طی روزهای نمایشگاه

تصویرگرانی

بودند که

با نمونه

کارهای شان،

به غرفه انجمن

سر می‌زدند و

دوست داشتند که

با ناشران ایرانی

کار کنند.



می‌شود و آثار دو کشوری که با هم توافق می‌کنند، در هر دو کشور به نمایش در می‌آید. این برنامه‌ها که نمونه‌ای از آن، دو سال پیش در کانون پرورش فکری و بعد در کشور اتریش برگزار شد، باعث آشنایی بیشتر هنرمندان و ناشران و کودکان دو کشور با تولیدات هم می‌شود. کارگاه‌های آموزشی، بازدید از مراکز فرهنگی، سمینارها و نشست‌ها از برنامه‌های جنبی این گروه از نمایشگاه‌ها هستند.

در پایان چهار روز نمایشگاه، آن چه بیش از همه چیز برای ما روشن و شفاف بود، این بود که اولین حضور انجمن تصویرگران در نمایشگاه بولونیا حضوری موفق، پررنگ و مؤثر بود؛ به طوری که خودمان هم پیش از آن تصور چنین بازتابی را نداشتیم. این موفقیت، مرهون زحمات همه تصویرگرانی است که در دهه‌های اخیر، در معرفی تصویرگری ایران به جهانیان تلاش کرده‌اند و حالا ایران در جایگاهی ایستاده است که مقتدرانه در کلیه رخدادها حضور پیدا می‌کند و نمایشگاه یا فستیوالی نیست که تصویرگران ایرانی در آن افتخاری نیافرینند.

توجه به ضعف‌ها و نادیده نگرفتن مسائلی که طبیعتاً وجود دارند و باید حل شوند، به ما کمک خواهد کرد تا حرکتی یک سویه نداشته باشیم. ذوق زدگی از کسب افتخارات و جوایز بین المللی، نباید ما را از توجه به مخاطب اصلی‌مان، یعنی کودکان ایرانی، دور کند و باید تصویرگری ایرانی به مخاطب ایرانی نیز معرفی شود و او را از سطح خوبی از سواد بصری، اشتیاق به مطالعه و علاقه‌مندی به کتاب برخوردار کند. رعایت کردن حد تعادل، نشکستن الگوهای جذب مخاطب و میانه روی در تولید اثر هنری زیبایی که یک گام از مخاطب پیشی گرفته، اما او را هم لحظه به لحظه به دنبال خود می‌کشد، کمک خواهد کرد تا مسئله‌ای که امروزه سینمای ایران دچار آن است و هم مخاطب داخلی و هم بازار جهانی را از دست داده، دامنگیر تصویرگری‌مان نشود و بتوانیم گام‌های محکم‌تری در راهی که در پیش داریم، برداریم.

مدیریت کردن موفقیت‌ها و استفاده هوشمندانه از توانمندی کنونی جامعه تصویرگری می‌تواند پیامدهای خوبی، از جمله فرهنگ سازی در حوزه تصویر، به همراه داشته باشد.

در پایان از همراهی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر پرویز و آقای اللهیاری که غرفه را در اختیار ما گذاشتند و مانلی منوچهری، فرشید شفیعی، مرتضی زاهدی، گلریزگرگانی و حسین نظری که در تدارک کلیه امور مربوط به غرفه یاری‌مان کردند، تشکر می‌کنم.

امیدوارم با کمک و همراهی یکدیگر بتوانیم در آینده نزدیک، گام‌های بلندتری برداشته و برنامه‌های وسیع‌تری در این حوزه داشته باشیم.